

اجاره پیاده‌رو در تهران از ۱۰۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان!

بساط فروشی در معابر تهران به رغم ممنوعیت و غیرقانونی‌بودن، بسا اجاره جایگاه در پیاده‌روها به تجارتی پر سود تبدیل شده است. به گزارش میزان، بررسی هاشنان می‌دهد که برخی مغازه‌داران بخشی از فضای مقابل واحدهای تجاری خود را با مصالح قابل توجه به‌دست‌فروشان اجاره‌می‌دهند. برای مثال، فضایی به ابعاد ۶ و نیم متر مربع در خیابان مشهدی نازی‌آباد با مبلغ ۳۰ میلیون تومان دویعه و ماهانه ۳۵ میلیون تومان اجاره در یکی از سکوهای مجازی آگهی شده است. بر اساس این گزارش، در آگهی مذکور تاکید شده که کرایه ۶ ماهه باید یکجا پر داخت شود؛ موضوعی که نشان‌دهنده رسمیت یافتن یک معامله غیرقانونی در سایه ضعف نظارت است. در میان آگهی‌ها موردی ععیبت‌تر نیز مشاهده می‌شود که در آن «بساط جلو مغازه سه کاشی» با دویعه ۲۵۰ میلیون تومان و ماهانه ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان آگهی شده‌است. این نوع تقسیم‌بندی غیر متعارف، نشان‌دهنده گسترش خلاف قانون این بازار زیرزمینی است.

□□□

ابهام قانونی در حکم اعدام برای سقط جنین

پس از اعلام صدور حکم اعدام برای فردی در هرمزگان به اتهام انجام ۱۴۰ مورد سقط جنین غیر قانونی، بحث‌ها درباره مبنای حقوقی چنین حکمی بالا گرفته‌است. حقوق‌دانان و فعالان مدنی تاکید دارند که در قوانین ایران هیچ ماده‌ای برای مجازات اعدام در پرونده‌های سقط جنین وجود ندارد. به گزارش رویداد ۲۴، شهیندخت مولاوردی، فعال حقوق زنان، این موضوع را «سوال برانگیز» می‌داند و مصطفی شمس، حقوق‌دان، تصریح می‌کند که «اعدام برای سقط جنین مبنای قانونی ندارد و مجازات آن تنها در حددیه و حبس است».

□□□

گیلان، تنها استانی که از خشکالی جان به در برد

کارشناس و مجری پروژه‌های مطالعاتی منابع آب گفت: تمام کشور در گیر خشکالی است حتی مانندران گیلان تنهاشهری است که هنوز دچار خشکسالی و تخلیه آبخوان هانده‌است. به گزارش رویداد ۲۴، مسعود مجرب افزود: ته کشیدن آبخوان‌ها و کاهش شدید سطح آب‌های زیرزمینی نتیجه مستقیم مدیریت نادرست منابع آبی در کشاورزی و صنایع در چنددهه اخیر است. به گفته و بحران آب در ایران امروز به نقطه‌ای رسیده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً به «مصرف خانگی» گره زد. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۸۵ تا ۹۰ درصد منابع آبی کشور در کشاورزی مصرف می‌شود؛ آن هم در کشت‌هایی پرآب‌بر و ناکارآمد که در اقلیم خشک ایران منطقه نیست، سهم صنعت حدود ۵ تا ۷ درصد و سهم خانگی کمتر از ۱۰ درصد است.

□□□

۳۰۰ کودک قربانی تصادفات رانندگی در سال گذشته

رئیس پلیس راهور فراجا گفت: سال گذشته نزدیک ۲۰ هزار نفر در تصادفات رانندگی جان خود را دست دادند که ۳ هزار نفر از آنان کودکان بودند. به گزارش صدا و سیما، سید تیمور حسینی افزود: در سطح کشور بیش از ۴ هزار مدرسه تحت پوشش مستقیم مأموران پلیس قرار دارند و تاکید کرد: اگر پلیس به تنهایی مسئولیت حفاظت از کودکان را به‌دوش بکشد، نتیجه مناسبی حاصل نخواهد شد. والدین، رانندگان و عابران پیاده باید با دقت و هوشیاری کامل عمل کنند و از جان خود و کودکان محافظت کنند.

□□□

رئیس کمیته ایمنی شورای شهر: ساختمان آلومینیوم نیازمند تخریب و نوسازی است

رئیس کمیته ایمنی شورای شهر گفت: ساختمان آلومینیوم بسا توجه به قدمت بسیار بالایی که دارد در حوزه ارزیابی لرزه‌ای در ردمبندی D قرار گرفته و باید هر چه زودتر تخریب و نوسازی شود. به گزارش ایسنا، مهدی بابایی در جلسه دیروز شورای شهر تهران در تذکر پیش از دستور خود اظهار کرد: حادثه‌ه حریق در ساختمان آلومینیوم رخ داده که با حضور به موقع آتش نشانی اطفاء انجام شد و موجب حادثه جدی نشد؛ با توجه به مصوبه شورای اسلامی و برنامه چهار ساله چهارم، شهرداری تهران ملزم شد ساختمان‌های بحرانی را تعیین تکلیف کند. این ساختمان قسمتی از تمهیدات را انجام داده بود و از لیست ساختمان‌های بحرانی خارج شد اما هنوز در لیست ساختمان‌های پرخطر قرار دارد.

□□□

رفع تصرف بیش از ۲۱ هزار هکتار از اراضی ملی

فرمانده یگان‌های انتظامی و حفاظتی فراجا از خلع ید ۲۱ هزار و ۳۹۷ هکتار از اراضی ملی از جنگل متصرفین و بازگشت آن به بیت المال توسط یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری در ۵ ماهه نخست سال جاری خبر داد. به گزارش ایسنا، سردار رضایی‌اسدی فرافرد: در بازه زمانی اول فروردین تا اول شهریور ماه سال جاری در راستای صیانت از اراضی ملی، ۱۲ هزار و ۹۵۹ فقره پرونده قضائی تشکیل و در همین ارتباط، دو هزار و ۹۵۵ نفر از مجرمین، متعرضین و زمین‌خواران دستگیر و با تکمیل پرونده، تحویل مقام قضائی شده‌اند.

□□□

بازگشایی کاخ گلستان از اول مهرماه کاخ گلستان از اول مهرماه به صورت مرحل‌ای و تدریجی باز می‌شود. این مجموعه میراث جهانی از آغاز جنگ ۱۲ روزه (۲۳ خردادماه) برای حفاظت از آن، تعطیل شد.

طرح یک پرسش از منظر نقد صریح رئیس‌جمهور به بودجه‌خواری نهاده‌ا:

«دفتر تنظیم و نشر آثار سردار رشید» از کجا تأمین مالی می‌شود؟



از منابع عمومی شبیه است. در واقع تشکیل یک نهاد و دفتر جدید «فقط بریز و بپاش از جیب محرومان است»، اینجا هم می‌توان پرسید: اندیشه‌های بلند یک سردار شهید را آیا نمی‌توان در کتاب‌ها و خاطرات موجود پاس داشت؟ آیا نیاز به دفتر و ساختمان و ردیف بودجه تا زه است؟

جایگاه حفظ آثار ونشر ارزش‌های دفاع مقدس کجاست؟
در سطح کلان، بنیاد حفظ آثار ونشر ارزش‌های دفاع مقدس یک نهاد مرکزی است که اسناد، موزه‌ها، یادمان‌ها، اسناد و نشرات دفاع مقدس را تحت نظر دارد. این سازمان، زیر مجموعه‌ی نیروهای مسلح است وبخشی از وظایفش هم حفظ خاطره واسناد جنگ است. در استان‌ها و شهرستان‌ها هم دفتر یا اداره کل حفظ آثار دفاع مقدس وجود دارد؛ مثلاً در استان همدان، استان خراسان شمالی، استان فارس و دیگر استان‌ها، دفاتر نمایندگی یا اداره‌ی کل حفظ آثار ونشر ارزش‌های دفاع مقدس فعال اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد دفتر حفظ آثار یک سردار مشخص مثل آنچه برای سردار رشید مطرح شده برای شهدای دیگر شکل نگرفته و بساداشت‌ها پرویز پرزید. دفاع مقدس یا بنیاد شهید یا دفتر مربوط به ایناثرگران انجام شده است. به اعتقاد صاحب‌نظران وقتی نهاد عمومی حفظ آثار دفاع مقدس کاری انجام می‌دهد برای کل رزمندگان و شهداست، نه فقط یک فرد مشخص؛ پس منابع عمومی، مأموریت عمومی و مخاطب عمومی دارد. اما وقتی دفتر خاص برای یک شخص خاص تأسیس شود، ممکن است مأموریت آن محدودتر باشد (حفظ خاطرات، اسناد، خاطره‌گویی، پژوهش در آثار مخصوص آن فرد). در چنین شرایطی هزینه، ردیف بودجه، ادوات، نیروی انسانی و نظارت آن دقیقاً مشخص نیست، و همین نکته باعث حساسیت می‌شود. هر چند رئیس‌جمهور گفته است «این بساط باید جمع شود»، اما آنچه تجربه نشان داده این است که نه تنها این بساط جمع نمی‌شود، بلکه هر سال گسترده‌تر هم می‌شود و دفتر نشر آثار سردار رشید، فقط تازه‌ترین شاهد این ماجراست.

آنها همچنین به مقامات رسمی، به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر کنند یا در دسترس دیگران قرار دهد... به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

در ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای نیز اشاره شده؛ هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف، منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲ قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت هم می‌گوید: تمامی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های موظف به رعایت این قانون مکلفند زمینه بر خورداری معلولان را از کلیه حقوق مذکور در این قانون فراهم آورند.

و همچنین ماده ۱۰ همین قانون هم تاکید دارد که هر گونه توهین، تحقیر و تنزل دادن شأن افراد دارای معلولیت ممنوع است.

آنها همچنین به استناد این موارد از پلیس فتا و دادستانی درخواست صدور دستور فوری برای مسدودسازی و حذف محتوای مجرمانه از صفحات مذکور، و «حضور، شناسایی و تعقیب قضایی عاملان و منتشر کنندگان این محتوا (حسین حسینی ونوید ایهام) مطابق با قوانین جزایی» و همچنین «الزام متهمان به عذرخواهی رسمی و علنی از جامعه ناشنوایان از طریق رسانه‌های ملی و پلتفرم‌های مربوطه و پیگیری جهت پیشگیری از انتشار مجدد چنین محتوایی و آموزش عمومی برای احترام به حقوق افراد دارای معلولیت.» کرده‌اند.

بسیاری بر این باورند که ماجرای اخیر نشان داد که جامعه ناشنوایان همچنان با چالش‌های جدی در زمینه احترام، برابری و عدالت روبه‌روست. تقلید موهن از زبان اشاره، نه تنها یک توهین آشکار، بلکه بازتولید تبعیض و خشونت علیه گروهی از شهروندان است.

مطالبه روشن ناشنوایان، برخورد قانونی، حذف محتوا و آموزش عمومی است. حال نگاه‌ها به دستگاه قضایی دوخته شده تا مشخص شود آیا این بار عدالت در حق جامعه ناشنوا اجرا خواهد شد یا خیر.

کند؟ فهرستی با ده‌ها دفتر و بنیاد و موسسه و نهاد که «دفتر نشر آثار سردار رشید» تنها یکی از آنهاست.



سعیده علیپور

در روزهایی که تیتراهای خبری کشور مملو از هشدار درباره کسری بودجه، بحران بی‌آبی، خاموشی برق و تعطیلی کارخانه‌است، یک خبر دیگر هم در سکوت و با همان ادبیات آشنا منتشر شد: «دفتر تنظیم و نشر آثار و اندیشه‌های سردار شهید غلامعلی رشید، به‌منظور جمع‌آوری، ساماندهی و انتشار اندیشه‌های بلند این سردار سرفراز اسلام و انجام اقدامات منسجم، ساختار مند و دقیق در این خصوص تشکیل و فعالیت آن آغاز شد.» یک دفتر دیگر، یک عنوان دیگر، یک ردیف بودجه تازه، انگار نه انگار که همین چند هفته پیش رئیس‌جمهور با دلی پر گفت: «کار ما شده فقط به یک سمت بنیاد و سازمان الکی که به هیچ دردی نمی‌خورد پول بدهیم! این بساط باید جمع شود.» سؤال ساده اما تلخ است: آیا این دفتر تازه تأسیس همان چیزی نیست که مسعود پرزشکیان در نقدهایش به آن تاخته بود؟

نقد رئیس‌جمهور و نابوی بودجه‌های بی‌ثمر
پزشکیان در همان سخنان معروفش که اوایل شهریور ماه ویرال شده بود با همان لحن بی‌تکلف همیشگی‌اش از «یک مشت بنیاد و سازمان‌های

الکی که به هیچ دردی نمی‌خورند» یاد کرد. این جمله ساده و به‌ظاهر یک غرق‌دبی، به واقع پرده از انبار باروتی بر داشت که سال‌هاست کمتر کسی جرأت نزدیک شدن به آن را دارد: «بودجه‌های پنهان، تخصیص‌های بی‌حساب و کتاب و نهادهایی که به قول محمداقبر نوبخت، معاون دولت حسن روحانی، «اصلاً نمی‌دانیم چه می‌کنند و نمی‌شود به آنها نزدیک شد».

کارشناسان اقتصادی این سازوکار را «هزینه فرصت» می‌نامند؛ یعنی هر ریالی که صرف چنین دفاتری می‌شود، از جیب آموزش و بهداشت و زیرساخت کم می‌شود. همین امروز، در شرایطی که کلاس‌های کپری در جنوب کشور سراپا مانده، بسیاری از دانشگاه‌های دولتی با کمبود بودجه پژوهشی مواجه‌اند، و بیمارستان‌ها به دلیل نبود تجهیزات پایه از ارائه خدمات عاجزند، بخشی از منابع محدود کشور به سمت دفاتر و بنیادهایی هدایت می‌شود که اثری در زندگی روزمره مردم ندارد.

نمونه روشن، بودجه سالانه نهادهایی چون سازمان تبلیغات اسلامی یا جامعه‌المصطفی است. هزاران میلیارد تومان به این مراکز اختصاص می‌یابد، بی‌آنکه شاخص‌های قابل اندازه‌گیری از خروجی آن‌ها در دسترس باشد. نه در سطح اقتصادی، نه در ارتقای فرهنگ عمومی و نه حتی خاطرات و یک ردیف بودجه که هر سال تمدید می‌شود.

در چنین شرایطی، تأسیس یک دفتر تازه با نام و نیت منته‌المنه اما مبهم، بیش از آنکه نشانه «ساماندهی اندیشه‌ها» باشد، برای افکار عمومی تداعی‌کننده یک ردیف بودجه دیگر است.

کسری بودجه ۸۰۰ هزار میلیاردی و نهادهای بی‌پاسخگو
علی‌قنبری، اقتصاددان، می‌گوید: «کسری بودجه ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی فقط یک عدد نیست، شکاف میان درآمدها و هزینه‌های دولت است که به‌طور مستقیم بر سفره مردم فشار می‌آورد.» حال پرسش اینجاست: در چنین شرایطی چرا دولت باید منابع اندک را صرف دفاتر تازه تأسیس

گزارش

در پی انتشار ویدئوهایی در اینستاگرام با تقلید موهن از زبان اشاره فارسی، موجی از اعتراض در میان ناشنوایان و کم‌شنوایان کشور به راه افتاده است. فعالان این حوزه می‌گویند این اقدام «یک شوخی ساده نیست، بلکه جرم» است و خواستار حذف فوری محتوا و برخورد قضایی با عاملان شده‌اند.

کمیمن ناشنوایان ایران در بیانیه‌ای رسمی تأکید کرده‌است: «این اقدام توهین مستقیم به میلیون‌ها ناشنوا و کم‌شنوادر کشور است. زبان اشاره بخشی از هویت ماست. تقلید موهن از آن، نه شوخی که یک جرم محسوب می‌شود.»

اعضای این کمیمن بارها اذعان‌آری کارزاری اینترنتی با هشتک «حمایت از زبان اشاره» خواستار حذف فوری این محتوا و ورود دستگاه قضایی شده‌اند. این کارزار تا دیروز نزدیک به سه هزار امضا جمع کرده‌است. زبان اشاره تنها ابزاری برای ارتباط روزمره نیست؛ بلکه ستون هویت فرهنگی و اجتماعی ناشنوایان است. بر اساس تحقیقات زبان‌شناسی، این زبان قواعد دستوری و واژگانی مستقل دارد و همانند فارسی با کردی و ترکی، یک زبان کامل است.

فعالان انجمن ناشنوایان بر این نکته تاکید دارند که قانون صراحت دارد که هر گونه تحقیر و تمسخر گروهی از شهروندان، جرم محسوب می‌شود. تقلید موهن از زبان اشاره، مصداق توهین است و دستگاه قضایی موظف به ورود به این پرونده است. در همین باره کمیمن ناشنوایان خطاب به مراجع رسمی تأکید کرده‌است: «از پلیس فتا و دادستانی می‌خواهیم به سرعت نسبت به شناسایی این صفحات و حذف محتوا اقدام کنند. سکوت یا تعلل در این زمینه، به معنای عادی‌سازی خشونت علیه ناشنوایان خواهد بود.»

در بسیاری از کشورها، پدیده‌ای به نام «Audism» یا تبعیض علیه ناشنوایان شناخته شده‌است. در آمریکا، یک کم‌دین به دلیل تقلید توهین آمیز از زبان اشاره با اعتراض شدید مواجه شد و ناچار به عذرخواهی رسمی شد. در بریتانیا نیز، رسانه‌های دیداری

مسئله اصلی خود دفتر رشید یا هر نهاد مشابه نیست؛ مسئله، منطق وارونه تخصیص منابع است: جایی که بودجه محدود به جای آنکه صرف خدمات حیاتی شود، به سمت نهادهای کم‌بازده و پر هزینه هدایت می‌شود

در بازسازی سرمایه اجتماعی، نشانه‌ای از بازدهی وجود ندارد. تنها چیزی که هر سال تکرار می‌شود، افزایش ردیف‌های بودجه و بزرگ‌تر شدن دستگاه اداری آن‌هاست.

دفتر نشر آثار سردار رشید هم در همین دسته‌بندی قرار می‌گیرد: نهادی با مأموریت مبهم و کلی (جمع‌آوری و نشر اندیشه‌ها)، بدون گزارش‌دهی شفاف، و به احتمال زیاد تبدیل شدن به یک سازمان دائمی و هزینه‌بر. این در حالی است که می‌توان همان مأموریت را به مراکز موجود مثل بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس یا حتی مراکز پژوهشی دانشگاهی سپرد، بدون ایجاد ساختار جدید.

به بیان دیگر، مسأله اصلی خود دفتر رشید یا هر نهاد مشابه نیست؛ مسأله، منطق وارونه تخصیص منابع است: جایی که بودجه محدود به جای آنکه صرف خدمات حیاتی شود، به سمت نهادهای کم‌بازده و پر هزینه هدایت می‌شود.

وقتی منبع بودجه معلوم نیست
نکته قابل تأمل اینکه در خبر رسمی تشکیل «دفتر تنظیم و نشر آثار و اندیشه‌های سردار رشید» هیچ‌اشاره‌ای به محل تأمین منابع مالی این نهاد تازه نشده است. آیا این دفتر از بودجه عمومی ارتزاق خواهد کرد یا قرار است با کمک‌های مردمی و حمایت داوطلبانه اداره شود؟ تجربه مشابه‌های این چنینی نشان می‌دهد که اغلب این ساختارها به خزانه عمومی وصل‌اند و سهمی از بودجه می‌برند؛ اما وقتی شفافیت در همین آغاز کار وجود ندارد، طبیعی است که افکار عمومی با تردید به موضوع نگاه کند و پرسش‌هایی از جنس «این پول‌ها از کجا می‌آید و چه کسی پاسخگوی هزینه‌هاست؟» پررنگ‌تر شود.

بازتاب‌های شبکه‌های اجتماعی؛ کنایه و خشم

خبرهایی چون راهاندازی «دفتر تنظیم و نشر

درخواست رسیدگی قضایی به انتشار محتوای توهین آمیز علیه جامعه ناشنوایان کشور در فضای مجازی

زبان اشاره؛ ابزار زندگی ست، نه سوژه تمسخر!



ناشنوایان است که روزانه با چالش‌های متعددی برای احقاق حقوق اولیه خود روبه‌رو هستند. چنین محتوایی موجب تشدید شکاف‌های اجتماعی، ترویج نادانی و آسیب‌زن به احساس امنیت روانی این گروه می‌شود.

معترضان این عمل را؛ «مصداق بارز جرایم زیر در قانون مجازات اسلامی، قانون جرایم رایانه‌ای و قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت» دانسته‌اند: «ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حذف فحاشی، موجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. ۲ همچنین در ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای (نشر اکاذیب) آمده‌است که هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان